



نشر تاریخ ایران: ۴۹

مجموعه متون و اسناد تاریخی: ۴۴



دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس

لویی رابینو

و نخست وزیران و وزرای امور خارجه ایران و انگلیس
و سفرا و فرستادگان ایران در سایر کشورهای جهان
از آغاز تا سال ۱۹۴۵ میلادی

ترجمه و تألیف:
غلامحسین میرزا صالح

www.KetabFarsi.com

بهاء ۷۵۰ ریال

۲۵

نشر تاریخ ایران: ۴۹
مجموعه متون و اسناد تاریخی: ۴۴



لویی رابینو

دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس

و

نخستوزیران و وزرای امور خارجه ایران و انگلیس

و

سفر او فرستادگان ایران در سایر کشورهای جهان

از آغاز تا سال ۱۹۴۵ میلادی

غلامحسین میرزا صالح



نشر تاریخ ابراهیم

نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص): تهران - فلسطین شمالی - شماره ۱۴۶ - طبقه سوم
تلفن ۶۵۹۸۴۴.

لویی رابینو

دیپلماتها و نمایندگان کنسولهای ایران و انگلیس

ترجمه غلامحسین میرزا صالح

■ چاپ اول: زمستان سال ۱۳۶۳ هجری شمسی.

■ تیراژ: ۳۰۰۰ (سه هزار) نسخه.

■ حروفچینی و چاپ: نقش جهان

■ لیتوگرافی: پیچاز

■ صحافی: میخک.

■ حق چاپ محفوظ و در اختیار «نشر تاریخ ایران» است.

فهرست مطالب

| | |
|-----|--|
| ۵ | لونی رایینو |
| | فصل اول |
| ۷ | تاریخچه‌ی مختصر اعزام هیئتهای سیاسی انگلیس به ایران |
| | بخش اول |
| ۱۹ | دیپلماتها و نمایندگان کنسولی انگلیس در ایران |
| | بخش دوم |
| ۱۳۳ | سالشمار و محل ماموریت سفرا، فرستادگان و کنسولهای انگلیس در ایران |
| | فصل دوم |
| ۱۵۱ | تاریخچه‌ی مختصر اعزام هیئتهای سیاسی ایران به انگلیس |
| | بخش اول |
| ۱۵۷ | دیپلماتها و نمایندگان کنسولی ایران در انگلیس و سرزمینهای تحتسلطه آن |
| | بخش دوم |
| ۱۸۳ | سالشمار و محل ماموریت سفرا، فرستادگان و کنسولهای ایران در انگلیس و سرزمینهای تحت سلطه آن |
| ۱۹۱ | فصل سوم |
| | بخش اول |
| ۱۹۳ | نخست وزیران انگلیس از آغاز تا سال ۱۹۴۵ میلادی |
| | بخش دوم |
| ۲۵۱ | وزیران امور خارجه انگلیس از آغاز تا سال ۱۹۴۵ میلادی |
| | بخش سوم |
| ۲۵۹ | سدر اعظمها و نخست وزیران ایران از آغاز تا سال ۱۹۴۵ میلادی |
| | بخش چهارم |
| ۲۱۷ | وزیران امور خارجه ایران از آغاز تا سال ۱۹۴۵ میلادی |
| | بخش پنجم |
| ۲۲۱ | سفرا و فرستادگان ایران در سایر کشورهای جهان از آغاز تا سال ۱۹۴۵ میلادی |
| ۲۳۵ | تصاویر |
| | راهنمای نامهای غیر ایرانی |

www.KetabFarsi.com

لوئی رابینو

هاسینت لوئی رابینو دی بورگوماله^۱ (۱۸۷۷ - ۱۹۵۰) مدتی پس از اتمام تحصیلات خود در دانشگاه پاریس به ایران آمد.^۲ پدرش ژوزف رابینو بورگوماله از اتباع یهودی تبار مقیم فرانسه، که زمانی از کارگزاران بانک کردی لیون^۳ فرانسه در قاهره بود، پس از قبول تابعیت دولت انگلیس به مدیر کلی بانک شاهی در تهران منصوب گردید و لوئی رابینوی جوان نیز به اهتمام پدر به خدمت در شعبه بانک شاهی در کرمانشاه گمارده شد.

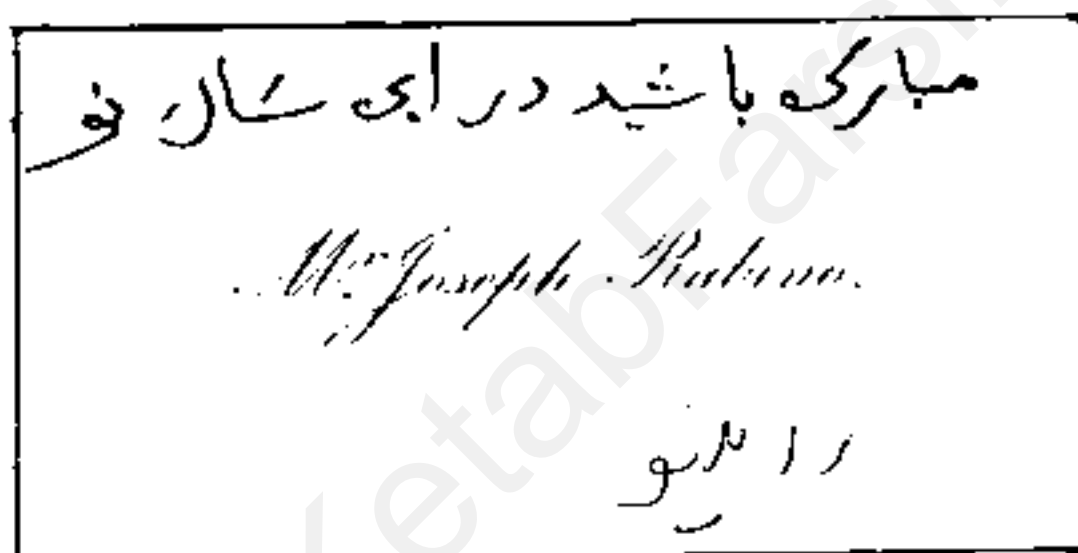
لوئی رابینو پس از مدتی کار در بانک، در فوریه ۱۹۰۳ به استخدام کنسولگری انگلیس در کرمانشاه درآمد و تا اواخر ۱۹۰۵ به عنوان نماینده کنسول و سپس کفیل کنسولگری به خدمت پرداخت. وی در اکتبر ۱۹۰۶ به سمت کفیل نیابت کنسولگری رشت و از مه ۱۹۰۷ تا ژوئیه ۱۹۱۲ به عنوان نایب کنسولگری، در رشت بود و اندکی بعد به مراکش منتقل شد و «ظاهراً تا سال ۱۹۲۲ کنسول انگلیس در مراکش بود و بعد در کنسولگری انگلیس در ازمیر مشغول خدمت بود و کتاب معروف خود را به اسم مازندران و استرآباد در همان جا در اواخر سنه ۱۹۲۵ خاتمه داده است»^۴.

1- Hyacinth Louis Rabino di Borgomale

۲- سید حسن تقی زاده که رابینو به وی بسیار ارادت داشت و این کتاب را هم به او تقدیم کرده است، احتمال می دهد که رابینو در تهران متولد شده باشد. نگاه کنید به جلد دوم مقالات تقی زاده صفحه ۶۱.

3- Credit Lyonnais

لوئی رابینو قبل از بازنشستگی در ۱۹۳۸ مدتی نیز در قاهره خدمت کرد و سپس به فرانسه رفت. وی جز مدت کوتاهی در بحبوحه‌ی جنگ (سپتامبر ۱۹۴۲ تا سپتامبر ۱۹۴۳) که برای انجام چند مأموریت به خدمت سیاسی فرا خوانده شد، تا پایان عمر (۲۶ سپتامبر ۱۹۵۵) به کار تحقیق و نشر چند کتاب و تعداد زیادی مقاله درباره‌ی نباتات، تجارت و تاریخ سه منطقه‌ی مازندران، گیلان و استرآباد پرداخت. دیگر آثار باارزش لوئی رابینو عبارتند از: دودمان علوی، سکه‌ها و نشانه‌ها و مهرهای شاهان ایران از ۱۵۵۵ تا ۱۹۴۱، فرهنگ جغرافیایی کرمانشاه و دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس.



نمونه خط فارسی ژوزف رابینو پدر لوئی رابینو

فصل اول

تاریخچه مختصر اعزام هیئتهای سیاسی انگلیس
به
ایران

www.KetabArshi.com

تاریخچه مختصر اعزام هیئتهای سیاسی انگلیس به ایران

سر آنتونی جنکینسون^۱ عضو کمپانی مسکوی^۲ نخستین فرستاده‌ی انگلیسی بود که به منظور گشایش باب بازرگانی بین دو کشور به ایران اعزام شد. وی حامل نامه‌ای به تاریخ بیست و پنجم آوریل ۱۵۶۱ از ملکه الیزابت به شاه طهماسب اول بود و درسی‌ام نوامبر ۱۵۶۲ در قزوین به حضور پذیرفته شد. ولی شاه که به تازگی به اختلافات خود با ترکان عثمانی پایان بخشیده بود و نمی‌خواست باعث ناراحتی بازرگانان ترک شود که تجارت با ایران و همچنین داد و ستد با این کشور را از طریق لوانت^۳ در دست داشتند، با وی برخورد بسیار بدی کرد و بر سرش داد زد که: «تو کافری، ما هیچ احتیاجی به دوستی با کفار نداریم» و به گفتگوی خویش با او خاتمه داد.

حضور دوسفیر رقیب یکدیگر از طرف شاه عباس در لندن باعث شد که چارلز اول هیاتی را روانه‌ی ایران نماید. سر رابرت شرلی که چندین سال به عنوان سفیر شاه در اروپا بود در سال ۱۶۲۴ در مقام «فرستاده» به حضور چارلز اول پذیرفته شد ولی در آغاز فوریه ۱۶۲۶ نقدعلی‌بیک سفیر جدید ایران بایکی از کشتیهای کمپانی

1- Sir Anthony Jenkinson

2- Muscovy Company

۳- Levant از کلمه‌ی فرانسوی Lever به معنی «طلوع». از اواخر جنگهای صلیبی و متعاقب آن که روابط بازرگانی ونیزیها و سوداگران ماجراجو با شرق به ویژه با شهرهای صور و سیدون گسترش یافت، سواحل آسیای صغیر و سوریه و گاه یونان و مصر را سرزمینهای لوانت نامیدند. در قرون شانزدهم و هفدهم عنوان «ماورای لوانت» برای توصیف شرق دور به کار می‌رفت. پس از جنگ جهانی اول سوریه و لبنان، دو مستعمره فرانسه «دولتهای لوانت» نامیده می‌شدند.

هند شرقی به نام «استار»^۴ وارد انگلستان شد و اعلام کرد که شرلی شیپاد است و اعتبارنامه‌ی او جعلی است. سفیران رقیب در معیت سردامور کاتون^۵ سفیر چارلز اول به ایران بازگردانیده شدند. وی مأموریت داشت تا ضمن شکایت از نحوه‌ی برخورد ناشایست نقدعلی بیگ باسر رابرت شرلی در باره‌ی صحت اعتبارنامه‌ی شرلی و پیشنهادهای وی که به نام شاه ایران عنوان شده بود و همچنین درباره‌ی اینکه کدام یک از آن دو مورد تأیید شاه ایران هستند، تحقیق نمایند. این هیأت در بیست و سوم مارس ۱۶۲۷ انگلستان را ترک گفت و به محض ورود به سوالی^۶ نقدعلی بیگ باخوردن تریاک خودکشی کرد. سردامور کاتون در بیست و پنجم مه ۱۶۲۸ در اشرف^۷ به حضور شاه عباس اول رسید، ولی مأموریت او با شکست مواجه شد و دو ماه بعد، به هنگام بازگشت، در قزوین درگذشت.

کمپانی هند شرقی، که از این به بعد «کمپانی» خوانده می‌شد از اوایل ۱۶۰۹ در ایران دفتر نمایندگی داشت. ای. کاناک^۸ نماینده کمپانی که در مقام سفیر نامه‌ای از جیمز اول تقدیم شاه عباس کرده بود در آوریل ۱۶۱۷ در اصفهان به حضور پذیرفته شد و یک قرارداد بازرگانی با شاه منعقد کرد. چنین به نظر می‌رسید که اختلاف بین کمپانی هند شرقی و مقامات حکومت مرکزی انگلیس بر سر حفظ روابط دیپلماتیک با ایران، که سرانجام با عقب‌نشینی کمپانی خاتمه یافت، قبلاً آغاز شده بود چرا که سردامور کاتون دستور داشت در امور تجاری بازرگانان بریتانیایی در ایران مداخله نکند. در اینجا باید از هنری بارد - ویکونت بلامونت^۹ یاد کرد که در سال ۱۶۵۷ از طرف چارلز استوارت، که خود بعداً به بروز^{۱۰} تبعید شد، مأمور دربار شاه عباس گردید. یکی از عواملی که باعث ترغیب شاه به اخراج نمایندگان کمپانی هند شرقی از ایران شد، حمایت کمپانی از انقلابیون مخالف پادشاه در انگلستان بود. بارد دوبار به حضور شاه عباس رسید یک بار در قزوین و بار دیگر در اصفهان، با این حال مأموریت او قرین موفقیت نبود و ایران را به قصد هندوستان ترک گفت. بارد در سال ۱۶۲۵ در آگر^{۱۱} درگذشت.

رئیس نمایندگی کمپانی در اصفهان به مثابه نماینده‌ی «آکرو دیته» پادشاه انگلیس بود. آقای پرسکوت^{۱۲} رئیس نمایندگی اصفهان در سال ۱۷۰۸ حامل نامه‌ای از ملکه

4- Star

5- Sir Dodmore Cotton

۶- Swally از بنادر آفریقای غربی

۷- بهنهر

8- Edward Connock

9- Henry Bard - Viscount Bellamont

۱۰- Bruges شهری در شمال غربی بلژیک

۱۱- Agra شهری در شمال هند

12- Mr. Prescott

«آن» برای شاه‌سلطان حسین بود. پس از سقوط شاه‌ایران کمپانی دفتر خود را در اصفهان تعطیل کرد. در سال ۱۷۶۲ کمپانی اقدام به تأسیس یک نمایندگی در بوشهر نمود و بنجامین جرویس^{۱۳} را به سمت نماینده‌ی مقیم، در بوشهر منصوب کرد و تا مس‌دورن فورده^{۱۴} را بدشیراز فرستاد تا از کریم‌خان امتیازاتی برای فعالیت‌های بازرگانی کمپانی هند شرقی در ایران کسب نماید. نمایندگی بوشهر در سال ۱۷۷۵ موقتاً به بصره انتقال یافت و هارفورد جونز^{۱۵} نماینده کمپانی در بصره، به هنگام دیدار از دربار ایران با استقبال آخرین حکمرانان زند روبرو شد. هیچ‌یک از نمایندگان کمپانی دارای مقام دیپلماتیک نبودند. اگرچه بیشتر اطلاعات مربوط به این نمایندگان را می‌توان در اسناد چاپ شده دولت بریتانیا و بایگانی‌های کمپانی هند شرقی یافت، با این حال تاریخچه‌ی نمایندگی‌های کمپانی در ایران می‌بایست نگارش یابد.

بلوای تیپو صاحب [در میسور هند] و شاه‌زمان در افغانستان و همچنین افزایش نفوذ فرانسه در شرق موجب نگرانی بریتانیا به ویژه در مورد هندوستان شد. یکی از راه‌های مبارزه با آنها برقراری روابط دوستانه با ایران بود. مهدی‌علی‌خان که در اصل ایرانی بود و سمت نمایندگی کمپانی هند شرقی در بوشهر را به عهده داشت، به دربار ایران فرستاده شد، تا دولت ایران را وادار به مقابله با شاه‌زمان نماید. مهدی‌علی‌خان در پائیز ۱۷۹۹ به حضور شاه رسید. مدتی بعد لرد ونزلی^{۱۶} فرماندار کل هندوستان، سروان جان مالکوم^{۱۷} را به ایران فرستاد تا وی ایرانیها را علیه افغانها که دائماً مرزهای شمال غربی هند را تهدید می‌کردند، تحریک نماید و از آنها بخواهد جلوی نفوذ فرانسه را بگیرند و بالاخره تجارت با بریتانیا را گسترش دهند. مالکوم در فوریه ۱۸۰۰ وارد بوشهر شد و روز شانزدهم نوامبر در تهران به حضور فتح‌علی‌شاه رسید. وی در بیست و هشتم ژانویه ۱۸۰۱ دو عهدنامه یکی بازرگانی و دیگری سیاسی با حاجی ابراهیم^{۱۸} صدراعظم به امضا رسانید. این عهدنامه‌ها مورد تأیید شاه قرار نگرفت و هرگز به مورد اجرا گذاشته نشد و مالکوم در ۱۸۰۲ به هندوستان بازگشت. آقای لووت^{۱۹} از بخش اداری بنگال برای عذرخواهی از قتل سفیر ایران^{۲۰} در بمبئی به ایران آمد، ولی از بوشهر فراتر نرفت و مأموریت خود را

13- Benjamin Jervis

14- Thomas Durn Ford

15- Harford Jones

16- Lord Wellesley

17- John Malcolm

۱۸- حاجی ابراهیم‌خان شیرازی - اعتمادالدوله

19- Mr. Henry Lovett

۲۰- حاجی خلیل‌خان کراوعلی

به آقای منستی ۲۱ نماینده‌ی مقیم کمپانی در بوشهر واگذار کرد. می‌توان گفت که برقراری روابط دیپلماتیک منظم با ایران در سال ۱۸۵۷ پایه‌گذاری شد و در تعیین فرستاده، چه از طرف وزارت خارجه‌ی انگلیس و چه از سوی کمپانی هند شرقی ضابطه‌ی گزینش افراد، داشتن تجربه و اطلاعات زیاد درباره‌ی شرق و چندین سال سابقه‌ی خدمت در ایران و آمادگی برای اقدامات فوری در مواقع ضروری بود و همچنین اینکه فرمودن نظر در مأموریت‌های نسبتاً طولانی خدمت کرده باشد. از ۱۸۸۷ به بعد به‌یمن تأسیس خط تلگراف سراسری در ایران و پیشرفت ارتباطات پستی و سهولت رفت و آمد و همچنین تمایل به تمرکز رهبری امور برون‌مرزی در روایت‌ها^{۲۲} دیگر تأکید بر شرایط احراز یادشده چندان ضروری نبود و دیری نپائید که بیشتر فرستادگان، با تجربه‌ی کمتری از شرق، آن‌هم در زمینه‌های متفاوت به ایران اعزام می‌شدند، هرچند بعضی از آنان در روزگار جوانی یکی دوسالی در مقام دبیر در سفارت تهران وقت گذرانیده بودند. در حالی که در طول هشتاد سال، از ۱۸۵۷ تا ۱۸۸۷ شمار فرستادگان به ایران، از جمله ویلاک^{۲۳} که مدت ده سال سمت کارداری داشت، پانزده نفر بوده است، تعداد فرستادگان در طول چهل سال بعد از آن، هیچ‌کس نفر می‌باشد. در میان گروه اول افرادی چون جوئر^{۲۴}، موریه^{۲۵}، مالکوم، اوزلی^{۲۶}، مکدونالد کینیر^{۲۷}، شیل^{۲۸}، رالینسن^{۲۹} و دیگران به‌نحو گسترده‌ای در افزایش دانش ما درباره‌ی تاریخ، مردم، زبان و ادبیات ایران مؤثر بودند، حال آنکه از بین گروه دوم تنها دو نفر توانستند چیزی به فهرست اطلاعات ما درباره‌ی ایران بیفزایند. البته باید گفت که تعدیل رویه‌ی اتخاذ شده از سال ۱۸۸۷ به بعد و مراقبت کارکنان «دبیرخانه‌ی شرقی» سفارت تهران و همچنین شبکه‌ای از پستهای کنسولی سراسری در ایران با افرادی از سیاست‌گزاران هند یا از بخش خدمات کنسولی لوانت که برای خدمت در شرق کارآمد بودند، در مجموع باعث گردید که اطلاعات زیادی در باره‌ی ایران بدست‌آید.

سرها رفورڈ جوئر (او بعدها نام بریجز^{۳۰} را نیز بر نام فامیل خود افزود) کسی

21- Mr. Samuel Manesty

۲۲- Whitehall نام خیابانی در محله وست‌مینستر لندن که مهمترین ادارات قوه مجریه حکومت انگلستان در آن واقع است.

23- Henry Willock

24- Sir Harford Jones

25- James Morier

26- Sir Gore Ouseley

27- Sir John Macdonald Kinneir

28- Sir Justin Sheil

29- Sir Henry Rawlinson

30- Bryges

که قبلاً در ایران فعالیت داشت و به‌هنگام خدمت در کمپانی هند شرقی در زبانهای شرقی تبحر یافته بود، در پنجم ژوئن ۱۸۵۷ از طرف پادشاه انگلیس به‌سمت فرستاده‌ی ویژه و وزیرمختار در دربار شاه ایران منصوب شد تا فرانسویان را از ایران بیرون براند و در باره‌ی عقد يك عهدنامه مذاکره کند. او در فوریه ۱۸۵۹ وارد تهران شد و در ماه مارس با حکام ایران عهدنامه‌ای به‌امضا رسانید که به‌موجب آن شاه از يك کمک دوست هزار تومانی برخوردار می‌شد و سپاهیان وی که برای دفاع از کشور به‌آن نیاز داشت تجهیز می‌شدند.

کمپانی هند شرقی که در هیچ‌شرایطی حاضر نبود اجازه دهد این مذاکرات منجر به‌ازدست‌دادن نفوذش در ایران بشود، سرجان مالکوم را به‌عنوان فرستاده به‌بوشهر گسیل داشت. وی از دهم مه تا یازدهم ژوئن ۱۸۵۸ در این شهر ماند و چون نتوانست جلونفوذ فرانسویان را بگیرد و شاه نیز او را به‌فرمانفرمای فارس حواله داد از همان جا ایران را ترك کرد. مالکوم يك بار دیگر به‌ایران فرستاده شد و در سیزدهم فوریه ۱۸۱۵ وارد بوشهر گردید و دو ماه بعد به‌طرف تهران حرکت کرد. در اینجا است که ما شاهد نمایش بی‌سابقه‌ی جدال دو فرستاده‌ی رقیب برای کسب برتری در دربار يك فرمانروای شرقی هستیم. آن دو بالاخره بایکدیگر به‌توافق رسیدند ولی حکومت بریتانیا که قصد داشت روابط دیپلماتیک با ایران را درست خود بگیرد سرگور اوزلی را به‌سمت سفیر تعیین و به‌حضور شاه فرستاد. مالکوم ناگزیر در ژوئیه ۱۸۱۵ پس از دریافت نشان شیرو خورشید از شاه که اختصاصاً به‌خاطر وی ابداع شده بود، تهران را ترك کرد.

سرگور اوزلی در ژوئیه ۱۸۱۵ انگلستان را ترك گفت و در ماه آوریل سال بعد وارد شیراز گردید. وی در ماه نوامبر در تهران به‌حضور شاه پذیرفته شد. اوزلی در چهاردهم مارس ۱۸۱۲ با مقامات ایرانی عهدنامه‌ای امضا کرد و موفق به‌دریافت نشان شیروخورشید الماس‌نشان شد. با میانجیگری او، در سیزدهم اکتبر ۱۸۱۳، عهدنامه‌ی گلستان که به‌جنگ ایران و روس خاتمه می‌داد به‌امضاء رسید. سینی طلا با طرحهای گلکاری و يك طفرای مذهب به‌مینا که از طرف فتحعلی‌شاه به‌وی اهدا گردید در نمایشگاه ۱۹۳۱ ایران در لندن به‌معرض دید عموم گذاشته شد. سرگور اوزلی در بیست و دوم آوریل ۱۸۱۴ از شاه اجازه مرخصی گرفت، ولی عهدنامه وی مورد تأیید فتحعلی‌شاه قرار نگرفت و موریه، نویسنده‌ی کتاب حاجی‌بابا و هنری الیس^{۲۱} که به‌سمت وزیرمختار موقت، در غیاب موریه تعیین شده بود پس از انجام مذاکره «عهدنامه‌ی تهران» را در ششم اکتبر ۱۸۱۴ به‌امضا رسانیدند.

در سال ۱۸۲۴ تصمیم گرفته شد که کلنل هنری ویلاک، کاردار منصوب از طرف وزارت امور خارجه، که از سال ۱۸۱۵ مدافع منافع بریتانیا در تهران بود، جای خود را به‌سرجان مکدونالد کینیر، فرستاده‌ی کمپانی هند شرقی، که در بیست و نهم ژوئیه

۱۸۲۶ به این مقام منصوب شده بود، بسیاری مکدونالد از ادعای ایران در مورد پرداخت کمک مالی انگلیس به این کشور در طول جنگ باروسیه، به این دلیل که ایرانیان آغازگر جنگ بوده‌اند، حمایت نکرد، با این حال روسها به هنگام میانجیگری خصوصی مکدونالد از پذیرش وی به عنوان یک مقام رسمی امتناع ورزیدند. عهدنامه‌ی ترکمانچای در بیست و نهم نوامبر ۱۸۲۸ به امضا رسید و مکدونالد در سال بعد موفق به دریافت نشان درجه یک شیر و خورشید شد. کینیر در یازدهم ژوئن ۱۸۳۵ در تبریز درگذشت. شاه و مردم به خاطر مرگ وی سماء اعلام سوگواری کردند. سرجان کمبل ۲۲ جانشین کینیر شد. کمبل در تثبیت موقعیت محمدشاه و استقرار وی بر تخت سلطنت، پس از مرگ فتحعلی شاه کمک شایانی کرد و در نوامبر ۱۸۳۵ پس از ورود هنری الیس که قبلاً از او یاد کردیم تهران را ترک کرد. هنری الیس که در سی‌ام ژوئن ۱۸۳۵ به سمت سفیر فوق‌العاده منصوب شد در این مأموریت ویژه وظیفه داشت تا جلوس شاه را تبریک بگوید. در همین زمان مسئولیت هیأت سیاسی از کمپانی به وزارت امور خارجه‌ی انگلیس محول شد. سرجان مک‌نیل ۲۲ که قبلاً به سمت دبیر سرهبری الیس منصوب شده بود ولی در زمان انجام مأموریت از همراهی با وی خودداری کرده بود، در نهم فوریه ۱۸۳۶ به سمت فرستاده‌ی ویژه و وزیر مختار منصوب و در بیست و پنجم مه وارد ایران شد. در سال ۱۸۳۸ محمدشاه اقدام به تصرف هرات کرد و در نتیجه مک‌نیل سر پرده‌ی سلطنتی را ترک کرد. ۲۲ وقتی که محمدشاه مجبور به ترک مخاصمه و انصراف از اشغال هرات گردید، مشکلاتی چون استرداد نواحی اشغال شده و جبران صدمات وارده به چاپار سفارت انگلیس ۲۵ مطرح شد. مک‌نیل برای شاه اتمام حجتی فرستاد و روابط دیپلماتیک از ژوئیه ۱۸۳۸ به حالت تعلیق درآمد. او به مرییان انگلیسی که در ارتش ایران بودند دستور داد تا به بغداد بروند و خود با اعضای سفارت عازم ارزروم شد. هیئت جدید که باز به ریاست مک‌نیل به ایران آمد در سال ۱۸۴۱ به گرمی پذیرفته شد و یک قرارداد بازرگانی در یازدهم اکتبر همین سال به امضا رسید. مک‌نیل در تهران از یاری سرجوستین شیل که خود در هفدهم سپتامبر ۱۸۴۴ به سمت فرستاده منصوب و تا زمان بازنشستگی در سال ۱۸۵۳ در تهران بود،

32- Sir John Campbell

33- Sir John McNeill

۳۴- مک‌نیل در اعتراض به تصمیم محمدشاه در هفتم ژوئن ۱۸۳۸ چادر خود و سایر مأموران انگلیسی را که در نزدیکی سر پرده سلطنتی بود جمع کرد و از اردوی محمدشاه خارج گردید و عازم مشهد شد.

۳۵- محمدعلی بیگ، غلام سفارت انگلیس که مک‌نیل او را جهت رساندن اطلاعات محرمانه در مورد سپاهیان ایران و تشویق امیر دوست محمدخان به مقاومت به هرات فرستاده بود در مراجعت در حوالی مشهد دستگیر و پس از جستجوی بدنی و کشف نامه پاتینجر به مک‌نیل که وی در کفی خود پنهان کرده بود، مورد ضرب و شتم مأموران ایرانی قرار گرفت و مدتی در بند بود.

برخوردار می گردید.

روابط دیپلماتیک دو کشور مجدداً از چهارم تا بیست و ششم نوامبر ۱۸۵۳ به حالت تعلیق درآمد. در سوم سپتامبر ۱۸۵۴ جناب چارلز موری^{۳۶} از طرف وزارت امور خارجه بریتانیا به سمت فرستاده‌ی فوق‌العاده و وزیر مختار منصوب شد.

روابط دیپلماتیک دو کشور در پنجم دسامبر ۱۸۵۵ قطع شد و در اول نوامبر ۱۸۵۶ دولت انگلیس به ایران اعلام جنگ داد. هیئت دیپلماتیک به بغداد رفت و واحدهای نظامی انگلیس به محرمه^{۳۷} یورش بردند و سپس به سوی اهواز حرکت کردند. عهدنامه‌ی صلح در چهارم مارس ۱۸۵۷ در پاریس به امضا رسید و در چهاردهم ماه بعد در بغداد مورد تأیید مقامات بریتانیایی قرار گرفت.

بعد از آن که در سال ۱۸۵۹ حکومت کمپانی هند شرقی به پادشاهی بریتانیای ضمیمه شد، سفارت انگلیس در تهران نیز زیر نظر وزارت امور هندوستان قرار گرفت. در شانزدهم آوریل ۱۸۵۹ سرهنری رالینسن، کاشف رمز خواندن خط میخی که سالها در هیئت نظامی بریتانیا خدمت کرده بود، به سمت وزیرمختار تعیین شد. وی پس از واگذاری نهائی امور سفارت تهران به وزارت خارجه انگلیس، در بیستم فوریه ۱۸۶۰ مستعفی گردید. جانشین وی چارلز آلیسون^{۳۸} (هفتم آوریل ۱۸۶۰) در بیست و نهم آوریل ۱۸۷۲ در تهران درگذشت. وزیرمختار بعدی ویلیام تیلور تامسن^{۳۹}، (اول ژوئیه ۱۸۷۲) در اول آوریل ۱۸۷۹ بازنشسته شد و برادر وی رونالد فرگوسن تامسن^{۴۰} نیز که در چهاردهم ژوئن ۱۸۷۹ جانشین او شد بازنشسته گردید. کرزن^{۴۱} در کتاب خود بنام «ایران و مسئله‌ی ایران» می‌نویسد «... در دوران مأموریت سرتیلور و سر رونالد تامسن، دو برادری که مدتها مقیم ایران بودند و تا اندازه‌ای تحت تأثیر محیط خویش قرار گرفته و به واسطه‌ی تغییر آب و هوا و اوضاع طبیعی فاقد ابتکار شده بودند، نفوذ بریتانیا در دربار شاه به سطح بسیار نازلی سقوط کرد، در عوض روسیه در همین مدت پیشرفت نمود. با این حال نخست در زمان کاردار سر ا. نیکولسون^{۴۲} از ۱۸۸۵ تا ۱۸۸۸ و پیش از او در زمان جانشین شایسته ولایفش سرهنری دروموندولف^{۴۳} و همچنین سرفرانک لاسلس^{۴۴} در ظرف شش سال فعالیت و قدرت بریتانیا در ایران شاهد

36- Honourable Charles Murray

38- Charles Alison

39- William Tylour Thomson

40- Ronald Ferguson Thomson

41- Lord George Curzon

42- Sir Arthur Nicolson

43- Sir Henry Drummond Wolff

44- Sir Frank Lascelles

چنان تجدید حیاتی شد که در دوران پس از مرگ فتحعلی‌شاه هرگز نمایندگان ماب‌چنین موقعیتی از اقتدار و عظمت نرسیده بودند.»

وزرای مختار بریتانیا از سال ۱۸۸۷ تا ۱۹۴۴ عبارت بودند از:

سر هنری دروموندولف (سوم دسامبر ۱۸۸۷)، سرفرانک لاسلس (بیست و چهارم ژوئیه ۱۸۹۱)، سرمورتیمر دوراند^{۴۵} (اول مه ۱۸۹۴). دوران که در هندوستان بسیار موفق بود و به پیشنهاد لرد روزبری^{۴۶} به سمت وزیر مختار تهران منصوب شد، آن‌طور که سرسیسیل اسپرینگ‌رایس^{۴۷}، زیر دست او، برای ما نقل می‌کند نسبت به چاپلوسیها و تعارفهایی که وزرای ایرانی می‌کردند، عکس‌العمل خشنی از خود نشان می‌داد.

سر آرتور هاردینگ^{۴۸} (بیست و یکم اکتبر ۱۹۰۰) که در پنجم فوریه ۱۹۰۳ موفق به امضای یک موافقت‌نامه‌ی بازرگانی با ایران شد. ویکونت‌داون^{۴۹} در چهارم دسامبر ۱۹۰۲ با مأموریتی ویژه به ایران اعزام شد تا حمایل «بندجوراب» را تقدیم مظفرالدین‌شاه کند. از سرسیسیل اسپرینگ‌رایس (اول ژوئیه ۱۹۰۶) جانشین سر آرتور هاردینگ می‌بایست به عنوان وزیر مختاری یاد شود که در زمان اقامت وی در تهران ناسیونالیستهای ایرانی به سفارت بریتانیا پناهنده شدند.

سر جورج بارکلی^{۵۰} (اول سپتامبر ۱۹۰۸) و پس از وی والتر تانلی^{۵۱} (بیست و چهارم مارس ۱۹۱۲) که چون عمال آلمانی نام‌های محرمانه‌ی او را به سرگرد اوکانر^{۵۲} کنسول شیراز ر بوده و منتشر کرده بودند اجباراً به مرخصی فرستاده شد، و در یازدهم مارس ۱۹۱۵ سرچارلز مارلینگ^{۵۳} تا صدور حکم وزارت مختاری در نهم مارس ۱۹۱۶ به عنوان کاردار جایگزین وی گردید.

تصمیم احمدشاه به ماندن در تهران در طول جنگ (۱۹۱۴ - ۱۸) بیشتر مدیون دیپلماسی شکیبانه‌ی مارلینگ بود، هرچند که وی مورد بی‌مهری مقامات کشورش قرار گرفت و به بهانه‌ی «مشورت» فراخوانده شد. سرپرسی کاکس^{۵۴} از بخش سیاسی هند که مدتی در عراق خدمت کرده بود، به سمت وزیر مختار موقت منصوب و در پانزدهم سپتامبر

45- Sir Mortimer Durand

46- Lord Rosebery

47- Sir Cecil Spring Rice

48- Sir Arthur Hardinge

49- Viscount Downe

50- Sir George Barclay

51- Walter Townley

52- William O' Connor

53- Sir Charles Marling

54- Sir Percy Cox

۱۹۱۸ به تهران فرستاده شد. کاکس پس از انجام مذاکرات، در نهم اوت ۱۹۱۹ موفق به امضای قراردادی با وثوق الدوله شد که به تصویب مجلس ایران رسید و او در یازدهم ژوئن ۱۹۲۰ در حالی که جانشینش هرمن کامرون نورمن^{۵۵} قبلاً وارد تهران شده (اول فوریه ۱۹۲۰) و اعتبارنامه‌ی خود را تسلیم کرده بود، تهران را ترک گفت. نورمن به علت اختلاف نظر با لرد کرزن^{۵۶} از تهران فراخوانده شد.

صورت اسامی وزرای مختار انگلیس تا سال ۱۹۴۴ با ذکر نام افرادی چون سر پرسی لورن^{۵۷} (اول اکتبر ۱۹۲۱)، سر رابرت کلابو^{۵۸} (هفتم اکتبر ۱۹۲۶)، سر ریجینالد هوئر^{۵۹} (دوازدهم اکتبر ۱۹۳۱)، سر هیو کنچبال هاجسن^{۶۰} (هفتم نوامبر ۱۹۳۴)، سر هوراس سیمور^{۶۱} (دوم اکتبر ۱۹۳۶) و سر ریدر بولارد^{۶۲} (نهم دسامبر ۱۹۳۶) به پایان می‌رسد.

سر ریدر بولارد در فوریه ۱۹۴۴ به مقام سفیر کبیر ارتقا یافت. انتصاب وی در زمانی صورت گرفت که وزارت خارجه بریتانیا با رجوع به روال گذشته در انتخاب فرستادگان خود به ایران، بار دیگر ضابطه‌ی داشتن یک تجربه‌ی طولانی در شرق را در نظر می‌گرفت، هر چند که این تنها عامل تعیین کننده نبود.

در فوریه‌ی ۱۹۴۶ سر جان لوروژتل^{۶۳} به سمت سفیر کبیر بریتانیا در تهران منصوب شد.

55- Herman Cameron Norman

۵۶- Lord Curzon وزیر امور خارجه‌ی بریتانیا از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴

57- Sir Percy Loraine

58- Sir Robert Clive

59- Sir Reginald Hoare

60- Sir Hugh Knatchball Hugessen

61- Sir Horace Seymour

62- Sir Reader Bullard

63- Sir John Le Rougetel

www.KetabFarsi.com

بخش اول

دیپلماتها و نمایندگان کنسولی انگلیس در ایران

۱۵۶۱ - ۱۹۴۵

T

آپشون، دونالد جیمز

Upshon, Donald James

نایب کنسول زاهدان از بیست و ششم ژوئیه ۱۹۴۲ تا هفدهم ژوئن ۱۹۴۳

آدامز، فرانسیس اوتیول

Adams, Francis Ottiwell

(مرگ ۲۵ ژوئیه ۱۸۸۹)

دبیر سوم سفارت تهران در ۱۸۵۷.

آقا، میرزا

Aga, Mirza

دبیر ایرانی سفارت تهران از اول آوریل ۱۸۴۵ تا مه ۱۸۵۰.

آگانور، دکتر میناس استفان پیتر

Aganor, Dr. Minas Stephen Peter

(تولد ۱۳ مارس ۱۸۶۲)

(مرگ اول دسامبر ۱۹۳۵)

خدمت در سرکنسولگری اصفهان از چهاردهم دسامبر ۱۸۹۶. دستیار کنسول از ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۷. مسئول کنسولگری در ۱۸۹۷ و ۱۸۹۸. کفیل کنسولگری از سی و یکم دسامبر ۱۸۹۹ تا چهارم مارس ۱۹۰۱. کفیل سرکنسولگری در ۱۹۰۳، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۰۸ و چند مورد ضروری دیگر. نایب کنسول اصفهان از بیست و ششم فوریه ۱۹۰۷. رئیس درمانگاه وابسته به کنسولگری اصفهان از هفدهم تا سی و یکم مارس ۱۹۲۳ و از بیست و یکم تا بیست و هفتم مه ۱۹۲۵. فعالیت کنسولگری اصفهان در بیست و نهم اوت ۱۹۲۷ موقتاً متوقف شد.

آلبان، سرهنگ دوم آر.ای. دابلیو

Alban, Lieutenant-Colonel R.E.W.

کنسول کرمان در ۱۹۴۵.

آلبان، سرگرد ریجینالد جورج اولین ویلیام

Alban, Major Reginald George Evelin William

نایب کنسول دزدآب [زاهدان] از هیجدهم دسامبر ۱۹۲۹. مسئول کنسولگری بصره در ۱۹۳۱، ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳. نایب نمایندگی سیاسی مقیم، در خلیج فارس از دسامبر ۱۹۳۵. رایزن سفارت تهران در کابل از بیست و هفتم مه ۱۹۳۹.

آلن، ستوان هنری

Allen, Lieutenant Henry

وابسته سفارت تهران در ۱۸۳۶ و ۱۸۳۷.

آلیسون، چارلز

Alison, Charles

(مرگ ۲۹ آوریل ۱۸۷۲)

فرستاده‌ی ویژه و وزیرمختار از هفتم آوریل ۱۸۶۵ تا بیست و نهم آوریل ۱۸۷۲.

آندروود، سرهنگ دوم هربرت جان

Underwood, Lieutenant - Colonel Herbert John

رایزن نظامی سفارت تهران از هشتم آوریل ۱۹۳۸. دستیار رایزن نظامی از هفتم اوت ۱۹۴۱.

ابت، کیت ادوارد

Abbott, Keith Edward

(مرگ ۲۸ آوریل ۱۸۷۳)

کنسول تهران از بیست و دوم ژوئیه ۱۸۴۱. مسئول کنسولگری تبریز از بیست و ششم آوریل ۱۸۴۲ تا بیست و سوم اکتبر ۱۸۴۳ و از ده مه ۱۸۴۵ تا پنجم آوریل ۱۸۴۷. بازگشت به تهران مه مه ۱۸۴۷.

وی پس از درگذشت محمدشاه در پائیز ۱۸۴۸، به عنوان نماینده رسمی سفارت به تبریز رفت تا در معیت ناصرالدین شاه، وارث قانونی تاج و تخت، به پایتخت باز گردد. درسی و یکم اوت ۱۸۵۰ با استفاده از مرخصی استعلاجی از تهران خارج شد و مدتی بعد به محل مأموریت خود بازگشت. در بیست و دوم آوریل ۱۸۵۴ به تبریز منتقل گردید و تا زمان آغاز جنگ ایران و انگلیس در سال ۱۸۵۶ در این شهر بود. پس از برقراری مجدد روابط ایران و انگلیس به سمت سرکنسول تبریز منصوب و از دهم ژوئیه ۱۸۵۷ تا اول ژوئیه ۱۸۶۸ در این مقام بود. ابت در انجام چندین مأموریت سیاسی و علمی مشارکت داشت و از بیست و هشتم مه ۱۸۵۸ تا ششم مه ۱۸۶۰ عضو هیأت رسیدگی به شکایت بریتانیا علیه حکومت ایران بود.

ابت، ویلیام جورج

Abbott, William George

(مرگ ۱۲ ژوئن ۱۹۱۷)

کفیل کنسولگری تبریز از نهم سپتامبر ۱۸۶۳ تا هفتم اکتبر ۱۸۶۴. خدمت در بخش خدمات ویژه در سواحل دریای خزر و ستاد فرماندهی ارتش ایران در استرآباد که در حال جنگ با قبایل ترکمن بود. کنسول رشت از بیستم مه ۱۸۶۵. وی در سال ۱۸۸۰ برای تحقیق درباره‌ی وضعیت مسیحیان نسطوری به ارومیه فرستاده شد و زمانی که به آنجا رسید شهر در محاصره‌ی کردها بود. سرکنسول تبریز از چهارم فوریه ۱۸۷۵ تا بیستم اوت ۱۸۸۹.

ابراهیم، میرزا

Ibrahim, Mirza

صندوقدار ایرانی سفارت تهران از اول نوامبر ۱۸۳۵ تا سیام سپتامبر ۱۸۳۸.

احمد ابن حسین

Ahmad ibn Husain

نماینده محلی در بندر لنگه از ۱۸۴۶ تا ۱۸۵۲.

احمد حاجی

Ahmad Hajji

دبیر سروان فلیکس جوتر نماینده مقیم، در بوشهر در ۱۸۵۷.

ادموندز، سیسیل جان

Edmonds, Cecil John

(تولد ۲۶ اکتبر ۱۸۸۹)

دستیار سفارت از بیست و دوم اوت ۱۹۱۲. کفیل کنسولگری بوشهر در ۱۹۱۴. نایب کنسول رشت از اول ژانویه ۱۹۱۸. دستیار مسئول سیاسی نیروهای هندی اعزامی به بصره از بیست و نهم آوریل ۱۹۱۵. دستیار مأمور سیاسی شوشر از بیست و هشتم نوامبر ۱۹۱۶. دستیار مأمور سیاسی خوزستان و دزفول از چهاردهم مارس ۱۹۱۷. کفیل کنسولگری اهواز از دوم آوریل ۱۹۱۸. افسر سیاسی نیروی نظامی انگلیس در شمال غربی ایران از سپتامبر ۱۹۱۹ تا مه ۱۹۲۱.

ارسکین، جناب ویلیام آگوستوس فوربس

Erskine, Honourable William Augustus Forbes

(تولد ۱۳۰ اکتبر ۱۸۷۱)

دبیر سوم سفارت تهران از چهارم ژوئن ۱۹۰۱ تا هفتم دسامبر ۱۹۰۳. کاردار از چهاردهم اکتبر تا یازدهم نوامبر ۱۹۰۲.

اسپرینگ - رایس، سر سیسیل

Spring - Rice, Sir Cecil

(تولد ۲۷ سپتامبر ۱۸۵۹)

(مرگ ۱۴ فوریه ۱۹۱۸)

دبیر سفارت تهران از اول اکتبر ۱۸۹۸. کاردار از هشتم مارس ۱۹۰۰ تا نهم فوریه ۱۹۰۱. نماینده بریتانیا در صندوق عمومی وام ویژه مصر از هیجدهم مارس ۱۹۰۱. فرستاده‌ی ویژه و وزیرمختار از اول ژوئیه ۱۹۰۶. انتقال به استکهلم در اول سپتامبر ۱۹۰۸.

استانوس، سرافریم گاریش

Stannus, Sir Ephraim Garrish

(تولد ۱۷۸۴)

(مرگ ۲۱ اکتبر ۱۸۲۹)

نماینده مقیم، در خلیج فارس از ۱۸۲۳ تا ۱۸۲۶.

استپتو، هاری ناتانیل

Steptoe, Harry Nathaniel

(تولد ۱۱ مارس ۱۸۹۲)

کنسول تهران با رتبه دبیراولی از سوم اکتبر ۱۹۴۵.

استراس، فرانز تئودور

Struss, Franz Theodor

(مرگ ۲۸ دسامبر ۱۹۱۱)

نایب کنسول سلطان آباد [اراک] از هشتم دسامبر ۱۹۰۶ تا بیست و هشتم دسامبر

۱۹۱۱.

استرچی، ریچارد

Strachey, Richard

دستیار سروان سرجان مالکوم در مأموریت ایران در ۱۸۵۵. تابلوی صورت او

در کاخ گلستان است.

استفان، الکساندر کندی

Stephen, Alexander Condie

(تولد ۱۸۵۵)

(مرگ ۱۵ مه ۱۹۰۸)

دبیر دوم سفارت تهران از چهاردهم سپتامبر ۱۸۸۱. مأمور انجام خدمات ویژه

در خراسان از دسامبر ۱۸۸۲ تا آوریل ۱۸۸۳. دستیار هیئت مأمور تعیین خطوط مرزی

شمال غربی افغانستان از بیست و دوم ژوئیه ۱۸۸۴. کفیل سرکنسولگری انگلستان در

بلغارستان از بیست و نهم ژوئیه ۱۸۸۶.

استل، ریچارد جانورکر

Astell, Richard John Vereker

(تولد ۷ سپتامبر ۱۸۹۵)

دبیر سوم سفارت تهران از سیام نوامبر ۱۹۱۶ تا هیجدهم مه ۱۹۱۹.

استوارت، سرهنگ چارلز

Stuart, Colonel Charles

عضو هیئت و دبیر خصوصی هنری الیس در مأموریت ویژه وی به ایران در

۱۸۳۵. وی از بیست و هفتم ژوئیه ۱۸۳۵ تا هشتم نوامبر ۱۸۳۶ حقوق هم‌پایه با دبیر

خصوصی سفیر دریافت می‌کرد. استوارت قبل از حرکت هنری الیس، از انگلستان خارج شد و در قسطنطنیه با وی ملاقات کرد. هیئت دیپلماتیک درسی ویکم اوت ۱۸۳۵ تراکیه را ترک کرد و در چهارم سپتامبر از طرابوزان گذشت و در دهم سپتامبر به بایزید رسید و در اول اکتبر وارد خاک ایران شد. هیئت در چهارم اکتبر از خوی عبور کرد و از راه ارومیه عازم تبریز شد و در یازدهم اکتبر وارد این شهر گردید.

استودارت، سروان چارلز

Stoddart, Captain Charles

(تولد ۱۸۵۶)

(مرگ ۱۸۴۲)

وی در سال ۱۸۳۵ به‌عنوان دبیر نظامی سرجان مک‌نیل به ایران آمد. فرمانده اسکورت همراه مک‌نیل از دهم مه ۱۸۳۶ تا هفدهم ژوئن ۱۸۴۲. او در ژوئن ۱۸۳۸ به همراه سرجان مک‌نیل از هرات خارج شد. استودارت در ماه ژوئیه برای رساندن پیغام مک‌نیل به تزد شاه [محمدشاه] فرستاده شد. متن پیغام این بود که اگر شاه دست از محاصره‌ی هرات نکشد، انگلیس به ایران اعلام جنگ خواهد داد. وقتی شاه شنید که نیروهای انگلیسی به خلیج فارس آمده‌اند تصمیم به عقب‌نشینی گرفت.

استودارت، رابرت

Stodart, Robert

از صاحب‌منصبان همراه سردامورکاتن.

استوکر، سرگرد چارلز جیمز

Stocker, Major Charles James

(تولد ۲۴ ژوئن ۱۸۶۶)

جراح. نایب‌کنسول مشهد از اول آوریل ۱۹۲۶ تا اول نوامبر ۱۹۲۷.

استوکس، سرگرد کلود بیفیلد

Stokes, Major Claude Bayfield

(تولد ۲۷ اکتبر ۱۸۷۵)

رایزن نظامی سفارت تهران از سی‌ام آوریل ۱۹۵۷.

استون، سرگرد

Stone, Major

افسر توپخانه. عضو همراه سرگوراوزلی از ۱۸۱۵ تا ۱۸۱۴. وی در ایمران درگذشت.

استون هیور - بیرد، فرانسیس هیو ویلیام
Stonehewer - Bird, Francis Hugh William

(تولد ۱۳ نوامبر ۱۸۹۱)

دستیار سفارت تهران از یازدهم اوت ۱۹۱۵. خدمت در سفارت بریتانیا در مولداوی
از دوازدهم نوامبر ۱۹۱۷.

استیل، سرگرد ریچارد الکساندر
Steel, Major Richard Alexander

(تولد ۶ اکتبر ۱۸۷۳)

رایزن نظامی سفارت تهران از سوم دسامبر ۱۹۱۳. خدمت در نیروی اعزامی
بریتانیا در جنگ با آلمان از بیست و هشتم سپتامبر ۱۹۱۴. انتصاب موقت در ستاد مشترک
وزارت جنگ بریتانیا در هفتم مارس ۱۹۱۵. افسر ستاد مشترک از اول ژوئیه ۱۹۱۵.

استیوارت، ستوان
Stewart, Lieutenant

عضو هیئت همراه سرجان مالکوم در ۱۸۱۵. این شخص احتمالاً همان سرگرد
استیوارت است که پس از درگذشت کینیر در ۱۸۳۵ به جانشینی وی منصوب شد ولی
به دلیل کمی حقوق از پذیرفتن آن سر باز زد و در نتیجه جان کمبل جانشین کینیر
گردید.

استیوارت، سروان اندرو چارلز
Stewart, Captain Andrew Charles

(۲۲ آوریل ۱۹۰۷)

نایب کنسول مشهد از دوازدهم اوت ۱۹۳۵ تا اکتبر ۱۹۳۶. کفیل نیابت کنسولگری
خرمشهر از بیست و نهم مه تا بیست و هشتم اکتبر ۱۹۳۷. کنسول بوشهر از بیست و
هفتم نوامبر ۱۹۳۹ تا فوریه ۱۹۴۲. کنسول خرمشهر از هفدهم ژوئن ۱۹۴۳. تجدید
ماموریت در ۲۵ مارس ۱۹۴۴.

استیوارت، سرهنگ چارلز ادوارد
Stewart, Colonel Charles Edward

(تولد ۱۸۳۶)

(مرگ ۲۶ دسامبر ۱۹۰۴)

مامور انجام خدمات ویژه در مرزهای ایران و افغانستان و خراسان از ۱۸۸۱ تا
۱۸۸۲ و از ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۴. در سفر دوم مدتی به عنوان مأمور سیاسی همراه شاه ایران

[ناصرالدین‌شاه] از نواحی مرزی شمال خراسان بازدید کرد. مأمور تعیین خطوط مرزی شمال غربی افغانستان از بیست و دوم ژوئیه ۱۸۸۴. کنسول رشت از اول نوامبر ۱۸۸۷. سرکنسول مشهد از سیزدهم مه تا هفتم دسامبر ۱۸۸۹. سرکنسول تبریز از بیستم اوت ۱۸۸۹ تا نهم ژوئن ۱۸۹۲. مأمور انجام خدمات ویژه از پنجم فوریه تا چهاردهم اکتبر ۱۸۹۱.

استیوارت، سرهنگ دوم ویلیام هال مکینتاش

Stewart, Lieutenant-Colonel William Hall Mackintosh

مسئول کنسولگری کرمان از پانزدهم اکتبر ۱۹۰۵. کنسول کرمان از فوریه تا اوت ۱۹۰۶.

استیونس، جورج الکساندر

Stevens, George Alexander

(مرگ ۱۳ دسامبر ۱۸۹۰)

دستیار کنسول تبریز از پنجم آوریل ۱۸۴۷. دستیار کنسول طرابوزان و سامسون از ۱۸۴۶ تا ۱۸۵۸. خدمت در سلماس، مشکین [شهر] و کردستان در زمانهای مختلف. یکی از همراهان ایت در سفر وی به سواحل دریای خزر و مناطق ترکمن‌نشین در ۱۸۴۷ و ۱۸۴۸. کفیل کنسولگری تبریز از چهارم مارس تا هفتم آوریل و نهم ژوئن تا بیستم ژوئیه ۱۸۵۰. مسئول کنسولگری تبریز از بیستم اکتبر ۱۸۵۲ تا سوم فوریه ۱۸۵۳ و از نوزدهم فوریه تا چهارم مارس ۱۸۵۳. کفیل نیابت کنسولگری طرابوزان از اول نوامبر ۱۸۵۵.

استیونس، چارلز

Stevens, Charles

نایب کنسول تبریز از پانزدهم ژوئن ۱۹۰۶. کفیل کنسولگری تبریز در ۱۹۰۳، ۱۹۰۵، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۱۰، ۱۹۱۷ و ۱۹۲۴.

استیونس، ریچارد وایت

Stevens, Richard Whyte

(مرگ ۲۷ ژانویه ۱۸۶۵)

کنسول تبریز از دوم مارس ۱۸۴۶. وی در دوم آوریل ۱۸۴۷ وارد تبریز شد و از پنجم آوریل ۱۸۴۷ به انجام وظیفه پرداخت. کنسول تهران از بیست و دوم آوریل ۱۸۵۴. به هنگام شروع جنگ ایران و انگلیس در ۱۸۵۶ همراه هیئت دیپلماتیک به بغداد رفت. او در مارس ۱۸۵۷ متن عهدنامه‌ی صلح دو کشور را به انگلستان برد و پس از

انتصاب مجدد به مقام کنسول تهران در دهم ژوئیه ۱۸۵۷ به ایران بازگشت. وی در هشتم اکتبر ۱۸۶۵ بازنشسته شد.

استیونسن، رالف کورنوالیس
Stevenson, Ralph Cornwallis
(تولد ۲۵ ژوئیه ۱۸۹۴)

سر کنسول تبریز در ۱۹۴۴.

اسکات، جناب ارنست استوول
Scott, Honourable Ernest Stowell

(تولد اول نوامبر ۱۸۷۲)

مستشار سفارت تهران از نهم سپتامبر ۱۹۱۵. کاردار از اول تا دوازدهم اوت ۱۹۱۷. وزیر مختار از پانزدهم سپتامبر ۱۹۱۹. رایزن فرماندار انگلیس در مصر از اول مارس ۱۹۲۵.

اسکراین، کلارمونت پرسیوال
Skrine, Clarmont Percival

(تولد ۱۸۸۸)

نایب کنسول کرمان از چهاردهم سپتامبر ۱۹۱۶. کفیل کنسولگری کرمان از اکتبر ۱۹۱۷ تا سپتامبر ۱۹۱۸. کفیل سر کنسولگری کاشمر از بیست و دوم ژوئیه ۱۹۲۲. کنسول سیستان [زابل] از دهم آوریل ۱۹۲۷ تا مارس ۱۹۲۹. سر کنسول مشهد از سی و یکم ژانویه ۱۹۴۲.

اسکولی، دکتر

Scully, Dr.

پزشک موقت سفارت در ۱۸۹۶.

اسکویر، گیلز فردریک
Squire, Giles Frederick

(تولد ۱۲ اکتبر ۱۸۹۴)

سر کنسول مشهد از دهم نوامبر ۱۹۳۶ تا بیست و هشتم اکتبر ۱۹۴۱. مستشار سفارت تهران با رتبه‌ی محلی از سی‌ام اکتبر ۱۹۴۱. فرستاده‌ی ویژه و وزیر مختار کابل از بیست و نهم ژوئیه ۱۹۴۳.

اسمارت، والتر الکساندر

Smart, Walter Alexander

(تولد ۱۲ نوامبر ۱۸۸۳)

وی در اواخر ژانویه ۱۹۰۶ وارد ایران شد. نایب کنسول تهران از اول ژانویه ۱۹۰۹. کفیل سر کنسولگری تبریز در ۱۹۰۹. کفیل کنسولگری شیراز ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۲. کفیل دبیرخانه‌ی شرقی سفارت تهران از ششم دسامبر ۱۹۱۲ تا هفتم ژوئن ۱۹۱۳. کفیل سر کنسولگری تبریز در ۱۹۱۳. دبیر دوم (رتبه‌ی محلی) دبیرخانه‌ی شرقی سفارت تهران از نهم مه ۱۹۲۰. کفیل کنسولگری حلب از سی و یکم دسامبر ۱۹۲۲.

اسمیت، سر گرد اف. ال.

Smith, Major F. L.

دبیر هیئت همراه سرهارفورد جونز در ۱۸۵۸ که پس از ورود هیئت به هند به کلکته رفت و جیمز موریه جانشین وی شد.

اسمیت، سروان دانیل ریچارد

Smith, Captain Daniel Richard

(تولد ۱۸ ژانویه ۱۸۹۷)

نایب کنسول دزدآب [زاهدان] از هیجدهم فوریه ۱۹۲۵ تا مارس ۱۹۲۶. وی در بیست و سوم دسامبر ۱۹۴۳ با درجه‌ی سرلشکری کنسول زاهدان گردید. سر کنسول مشهد از ششم اوت ۱۹۴۵.

اسمیت، نیکلاس هنکی

Smith, Nicolas Hankey

نماینده مقیم کمپانی هند شرقی در بوشهر از حدود ۱۷۹۵ تا ۱۷۹۸. کارگزار بخش اداری شهر کلکته. دبیر هیئت همراه سرجان مالکوم در ۱۸۵۸.

اسمیت، ویلیام بویر

Smith, William Bowyer

(تولد اول سپتامبر ۱۸۴۰)

(مرگ ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۶)

دبیر دوم سفارت تهران از شانزدهم اوت ۱۸۷۲ تا سی‌ام نوامبر ۱۸۷۵.

اصغر علی خان، بهادر

Asghar Ali Khan, Bahadur

نماینده کنسول دریم از بیستم مه ۱۹۰۴.

ال گود. سریل

Elgood, Cyril

(تولد ۱۴ اکتبر ۱۸۹۲)

پزشک سفارت تهران از دوازدهم فوریه ۱۹۲۶ تا بیست و دوم نوامبر ۱۹۳۵.

ال هاشمی، عبدالحی، خان بهادر

Elhashmy, Abdul Haiy, Khan Bahadur

دستیار کنسول زابل از نوزدهم مه ۱۹۴۲.

الیاس، نی

Elias, Ney

(مرگ ۳۱ مه ۱۸۹۷)

سر کنسول مشهد از چهاردهم دسامبر ۱۸۹۱ تا سپتامبر ۱۸۹۶.

الیس، سر هنری

Ellis, Sir Henry

(تولد ۱۷۷۷)

(مرگ ۲۸ سپتامبر ۱۸۵۵)

عضو هیئت همراه سر جان مالکوم در ۱۸۱۵. دریافت اعتبارنامه‌ی دائمی به‌عنوان وزیر مختار موقت، برای مواقع غیبت یا بیماری احتمالی جیمز موریه در هیجدهم آوریل ۱۸۱۴. ورود به ایران با اختیارات کامل جهت مذاکره با مقامات ایرانی با همکاری اوزلی و موریه در ۱۸۱۴. وی در اوایل دسامبر ۱۸۱۴ با نسخه‌ای از عهدنامه‌ی منعقد، تهران را ترک کرد. الیس در هشتم ژوئیه ۱۸۳۵ به سمت سفیر منصوب و همراه هیئت ویژه‌ای برای اظهار تسلیم فوت فتحعلی شاه و تبریک جلوس محمدشاه عازم ایران گردید و در سوم نوامبر وارد تهران شد. وی در ششم نوامبر ۱۸۳۵ اعتبارنامه و درسی‌ام آوریل ۱۸۳۶ حکم مربوط به پایان مأموریت خویش را تسلیم کرد. الیس در ماه مه تهران را به قصد تبریز و مناطق مرزی ایران ترک گفت و تا ورود مک‌نیل، فرستاده‌ی جدید در بیست و سوم اوت، در آنجا بود و سپس در نوامبر ۱۸۳۶ به انگلستان بازگشت. حقوق وی از بیست و چهارم ژوئیه ۱۸۳۵ تا دوم نوامبر ۱۸۳۶ معادل رتبه‌ی سفیر پرداخت شد.

الیکومب، هیومیدلتون

Ellicombe, Hugh Myddleton

(مرگ ۲ مه ۱۹۰۶)

دبیر دوم سفارت تهران از بیست و هفتم سپتامبر ۱۸۹۳ تا سی و یکم ژوئیه ۱۸۹۵.

اقریم، رندل جان سامرلد مکدونل، ارل

Antrim, Randal John Somerled McDonnell, Earl of

(تولد ۲۲ مه ۱۹۱۱)

وابسته‌ی افتخاری سفارت تهران از بیست و پنجم اکتبر ۱۹۳۲. مستعفی در مارس ۱۹۳۳.

انسون، سرگرد جورج فرانک ویمیس

Anson, Major George Frank Wemyes

کنسول بوشهر با رتبه‌ی محلی از سیزدهم اکتبر ۱۹۲۱.

اوای، اسموند

Ovey, Esmond

(تولد ۲۳ ژوئیه ۱۸۷۹)

مستشار سفارت تهران از چهارم مارس ۱۹۲۴ تا بیست و دوم آوریل ۱۹۲۵. کاردار از بیست و هشتم مارس تا پانزدهم نوامبر ۱۹۲۴.

اودویر، جان شوالیر

O' Dwyer, John Chevalier

(تولد ۱۵ سپتامبر ۱۹۰۰)

کارگزار موقت در بخش خدمات کنسولی لوانت از نوزدهم اکتبر ۱۹۲۳. مأمور خدمت در تهران در سوم ژوئن ۱۹۲۵. کفیل نیابت کنسولگری شیراز از سوم مه تا دسامبر ۱۹۲۶. کفیل کنسولگری اهواز از شانزدهم ژانویه تا سیزدهم فوریه ۱۹۲۷. کفیل نیابت کنسولگری شیراز از بیست و هشتم مه ۱۹۲۷. نایب کنسول در بخش خدمات کنسولی لوانت از دهم دسامبر ۱۹۲۷. انتقال به مشهد در دهم اکتبر ۱۹۲۸. کفیل کنسولگری کرمانشاه در ۱۹۳۰. نایب کنسول اصفهان از پنجم مه ۱۹۳۰. کفیل کنسولگری بصره از بیست و سوم آوریل تا ششم اکتبر ۱۹۳۱. انتقال به اداره‌ی سرکنسولگری فرانکفورت و انتصاب به نیابت کنسولگری فرانکفورت در دهم مه ۱۹۳۳.

اورک هارت، رابرت ویلیام

Urquhart, Robert William

(تولد ۱۴ اوت ۱۸۹۶)

کنسول تبریز از نهم نوامبر ۱۹۳۴. تمدید ماموریت در دوازدهم مه ۱۹۳۶. انتقال به اداره مرکزی وزارت خارجه در بیست و هشتم فوریه ۱۹۳۸. سر کنسول تبریز از بیست و هفتم آوریل ۱۹۴۲. انتقال به نیواورلئان [ایالات متحده] در دوم دسامبر ۱۹۴۳.

اوزلی، سر گور

Ouseley, Sir Gore

(تولد ۲۴ ژوئن ۱۷۷۵)

(مرگ ۱۸ نوامبر ۱۸۴۴)

مهماندار میرزا ابوالحسن خان سفیر ایران، در ماموریت وی به انگلستان در ۱۸۵۹. در دهم مارس ۱۸۱۵ به عنوان فرستاده‌ی فوق‌العاده و وزیر مختار در دربار ایران تعیین و در ژوئیه ۱۸۱۵ همراه میرزا ابوالحسن خان انگلستان را ترک کرد و در پنجم مه ۱۸۱۱ وارد بوشهر شد. وی در نهم نوامبر به تهران رسید و در یازدهم نوامبر اعتبارنامه‌ی خود را تقدیم فتحعلی‌شاه نمود. اوزلی در چهاردهم مارس عهدنامه‌ای با ایران امضاء کرد و موفق به دریافت نشان شیر و خورشید الماس نشان شد. در سیزدهم اکتبر ۱۸۱۳ با میانجیگری وی عهدنامه‌ی گلستان که به جنگ ایران و روس پایان داد، به امضاء رسید. اوزلی در بیست و دوم آوریل ۱۸۱۴ از شاه اجازه‌ی مرخصی گرفت و روز بعد تهران را ترک گفت و دیگر به ایران بازنگشت. عهدنامه‌ی وی به تأیید شاه نرسید و به جای آن، «عهدنامه‌ی تهران» که توسط موریه و الیس، وزرای مختار بریتانیا، در بیست و پنجم نوامبر ۱۸۱۴ امضاء شده بود، به مورد اجرا گذارده شد. اعتبارنامه‌ی اوزلی در مارس ۱۸۱۵ و دستورالعمل اختیارات وی برای عقد قرارداد با ایران در هفتم ژوئیه ۱۸۱۵ صادر شد.

اوزلی، سر ویلیام

Ouseley, Sir William

(تولد ۱۷۶۸)

(مرگ سپتامبر ۱۸۴۲)

برادر سر گور اوزلی و دبیر خصوصی وی از ۱۸۱۵ تا ۱۸۱۴.

اوکانر، سر گرد ویلیام فردریک تراورز

O'Connor, Major William Frederick Travers

(تولد ۳۵ ژوئیه ۱۸۷۵)

(مرگ ۱۴ دسامبر ۱۹۴۳)

کنسول سیستان [زابلی] از سی‌ام سپتامبر ۱۹۵۹. کفیل سر کنسولگری مشهد از

آوریل تا نوامبر ۱۹۱۵. کنسول کرمان در ۱۹۱۲. کفیل کنسولگری شیراز از نوامبر ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳ و در ۱۹۱۶. زندانی جنگی در ایران از ۱۹۱۵ تا اوت ۱۹۱۶. نماینده مقیم، در نپال در ۱۹۱۸.

اوکشوت رونالد

Oakshott, Ronald

کفیل نیابت کنسولگری رشت در ۱۹۱۸.

اوگدن، فرانک کالینگ

Ogden, Frank Collinge

(تولد ۳۵ مارس ۱۹۰۷)

نایب کنسول تبریز از هشتم اکتبر ۱۹۴۲. کفیل سرکنسولگری تبریز در ۱۹۴۳. انتقال به بوگوتا [پایتخت کلمبیا] به عنوان دبیر اول در ۱۹۴۴.

اولدینگ، تام فرانسیس

Olding, Tom Francis

(مرگ ۱۷ فوریه ۱۹۵۶)

پزشک سفارت از اول آوریل ۱۸۹۱ تا هفدهم فوریه ۱۹۰۶. وی در تهران درگذشت.

اولیفنت، لانسلوت

Oliphant, Lancelot

(تولد ۸ اکتبر ۱۸۸۱)

کفیل دبیر سوم سفارت تهران از هشتم مارس ۱۹۰۹ تا بیست و هفتم اکتبر ۱۹۱۱. بازگشت به انگلستان در یازدهم دسامبر ۱۹۱۱. از همراهان شاهزاده ظل السلطان به هنگام بازدید وی از لندن در ژوئن ۱۹۱۶.

اونگلی، هنری هاردی

Ongley, Henry Hardy

(مرگ ۲۵ دسامبر ۱۸۹۲)

دبیر خصوصی چارلز آلیسون در تهران در ۱۸۶۵. کفیل کنسولگری رشت از یازدهم سپتامبر ۱۸۶۶ تا دوم ژوئن ۱۸۶۹. نایب کنسول و مترجم سفارت تهران از بیستم ژوئیه ۱۸۷۱ تا زمان استعفا در اکتبر ۱۸۷۲.

ایدن، آلن جان

Edden, Alan John

(تولد ۲ دسامبر ۱۹۱۲)

نایب کنسول سفارت تهران با رتبه‌ی محلی دبیر دومی، از بیست و هفتم اکتبر ۱۹۴۲. نایب کنسول کرمانشاه از اول ژانویه ۱۹۴۴.

ایرز، هاری موریس

Eyres, Harry Mourice

(تولد ۲۳ نوامبر ۱۸۹۸)

نایب موقت کنسول در بخش خدمات کنسولی لوانت از بیست و چهارم اکتبر ۱۹۲۴. مأمور خدمت در تهران به‌عنوان کفیل نیابت کنسولگری از بیست و یکم ژوئن ۱۹۲۶. کفیل نیابت کنسولگری رشت از چهاردهم اوت ۱۹۲۷ تا مه ۱۹۲۸ و تهران در ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹. ارتقاء به رتبه‌ی نایب کنسول در شانزدهم ژوئیه ۱۹۲۸. انتقال به ناحیه‌ی سوئز در اول اکتبر ۱۹۱۳.

ایستویک، ادوارد بلاک هوس

Eastwick, Edward Blackhouse

(مرگ ۱۶ ژوئیه ۱۸۸۳)

عضو هیئت نمایندگی همراه حسنعلی خان وزیر مختار ایران در بریتانیا از سی‌ام اکتبر ۱۸۵۹. دبیر سفارت تهران از چهارم مه ۱۸۶۰. وی هم‌چنین وظایفی چون مسئولیت کنسولگری تهران و اداره‌ی ترجمه‌ی سفارت تهران را از چهاردهم ژوئن تا نهم اوت ۱۸۶۲ به‌عهده داشت. مأمور انجام خدمات ویژه در گیلان در مارس و آوریل ۱۸۶۱ و در کردستان از ششم اوت تا نهم دسامبر ۱۸۶۲. کاردار سفارت تهران از نهم دسامبر ۱۸۶۲ تا بیست و سوم ژانویه ۱۸۶۳. بازگشت به انگلستان در بیستم مه ۱۸۶۳.

ب

بابا، میرزا

Baba, Mirza

دبیر ایرانی هنری ویلاک (۱۸۲۶ - ۱۸۱۵) در سفارت تهران.

باترز، او. ا.

Butters, O.A.

کفیل نیابت کنسولگری رشت در ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰.

باتلر، نویل مونتآگو

Butler, Nevile Montagu

(تولد ۲۰ دسامبر ۱۸۹۳)

مستشار موقت سفارت تهران از بیست و هشتم دسامبر ۱۹۳۵. کاردار موقت در ۱۹۳۶، ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸. رایزن سفارت از هفدهم ژانویه ۱۹۳۸. انتقال موقت به برن در بیست و ششم ژوئیه ۱۹۳۹ و واشنگتن در بیست و هشتم دسامبر ۱۹۳۹.

باتی، سرگرد والتر راتنی

Battye, Major Walter Rothney

افسر پزشکی. نایب کنسولگری مشهد از پنجم نوامبر ۱۹۰۴ تا مارس ۱۹۰۶. کفیل سر کنسولگری مشهد در ۱۹۰۶.

بارت، سرهنگ دوم سریل چارلز جانسن

Barrett, Lieutenant - Colonel Cyril Charles Johnson

(تولد ۲۶ مه ۱۸۸۴)

(مرگ ۱۴ ژوئیه ۱۹۳۳)

کفیل سر کنسولگری بوشهر در ۱۹۲۹. سر کنسول بوشهر از پنجم مه ۱۹۳۰.

بارتلوت، سرگرد سروالتر بالفور

Bartelot, Major Sir Walter Balfour

(تولد ۲۲ مارس ۱۸۸۵)

(مرگ ۲۳ اکتبر ۱۹۱۸)

وابسته‌ی نظامی سفارت تهران در ۱۹۱۸.

بارتو، روگو اسمیل

Barreto, Roque Ismail

دستیار کنسول محمره [خرمشهر] از بیست و دوم مه تا سیزدهم اوت ۱۹۳۳.

بارد، هنری، ویکونت بلامونت

Bard, Henry, Viscount Bellamont

(تولد؟ ۱۶۰۴)

(مرگ ۱۶۶۰)

وی در سال ۱۶۵۷ از طرف چارلز استوارت برای انجام يك مأموریت محرمانه به دربار ایران فرستاده شد. شاه عباس دوم يك بار در قزوین و بار دیگر در اصفهان او را به حضور پذیرفت ولی مأموریت او قرین موفقیت نبود. یکی از عواملی که باعث شکست مأموریت بارد شد، اخراج نمایندگان گنجهای کمپانی هند شرقی از ایران به علت حمایت آنها از کرامول بود. وی در ۱۶۶۰ در اگرا [هند] درگذشت.

بارکلی، سر جورج هید

Barclay, Sir George Head

(تولد ۲۳ مارس ۱۸۶۲)

(مرگ ۲۶ ژانویه ۱۹۲۱)

فرستاده‌ی ویژه و وزیر مختار از اول سپتامبر ۱۹۰۸ تا بیست و سوم مارس ۱۹۱۲.

بارلو، هنری آرتور نورثی

Barlow, Henry Arthur Northey

(تولد ۱۱ اوت ۱۹۰۵)

نایب کنسول کرمان از چهاردهم سپتامبر ۱۹۴۲.

بارنت، لارنس

Barnett, Lawrence

(تولد ۲۴ ژوئن ۱۹۱۰)

نایب موقت کنسولگری شیراز از اول نوامبر ۱۹۳۳. انتقال به کوبا در بیست و

دوم اوت ۱۹۳۶.

بارنز، سروان اچ. ا.

Barnes, Captain H.A.

کفیل نیابت کنسولگری اهواز از دوازدهم مه ۱۹۲۷ تا مارس ۱۹۲۸.

بارنهام، هنری داکلی

Barnham, Henry Dudley

(تولد ۲۰ دسامبر ۱۸۴۵)

(مرگ ۱۶ آوریل ۱۹۳۶)

سر کنسول اصفهان از اول مارس ۱۹۰۶ تا بیست و یکم ژانویه ۱۹۰۸.

بارینگ، والتر

Baring, Walter

(تولد ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴)

(مرگ ۳ آوریل ۱۹۱۵)

دبیر سفارت تهران از بیست و یکم ژوئن ۱۸۷۹ تا پنجم ژانویه ۱۸۸۲.

بازالگت، سروان جان اویلین آرنولد

Bazalgette, Captain John Evelyn Arnold

(تولد ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۷)

نایب نمایندگی سیاسی مقیم، در خلیج فارس از ژوئن ۱۹۳۵. مسئول کنسولگری کرمان از نوامبر ۱۹۳۵. نایب کنسول خرمشهر از دوم آوریل ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹.

باکس - آبرونساید، هنری جورج اوترام

Bax - Ironside, Henry George Outram

(تولد ۱۵ نوامبر ۱۸۵۹)

(مرگ ۱۶ آوریل ۱۹۲۹)

دبیر سوم سفارت تهران از بیست و هفتم نوامبر ۱۸۸۸. دبیر دوم از اول نوامبر ۱۸۸۹ تا بیست و یکم ژوئیه ۱۸۹۱.

باکستر، چارلز ویلیام

Baxter, Charles William

(تولد ۱۶ فوریه ۱۸۹۵)

دبیر سوم سفارت تهران از شانزدهم اکتبر ۱۹۱۹. دبیر دوم از پانزدهم دسامبر ۱۹۲۰. انتقال به وزارت امور خارجه در اول آوریل ۱۹۲۲.

باکسر، سروان ای. اچ. اس.

Boxer, E. H. S.

مسئول کنسولگری بندر عباس در ۱۹۰۱. وی در همین سال درگذشت.

بانیستر، سروان اف.

Banister, Captain F.

کفیل نیابت کنسولگری همدان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱.

بلون، سروان جان چارلز ادواردز

Bowen, Captain John Charles Edwardes

(تولد ۱۸ اکتبر ۱۹۰۹)

نایب کنسول زاهدان از پنجم آوریل ۱۹۳۹ تا مه ۱۹۴۱.

بدر ابن محمد امین، آقا

Badr ibn Muhammad Amin, Aga

نماینده محلی در بندر لنگه در ۱۹۰۲.

برت، ویلیام

Burt, William

(مرگ ۲۴ نوامبر ۱۶۳۵)

نماینده کمپانی هند شرقی در ایران. عضو همراه دانفور کاتون در مأموریت وی
به دربار شاه عباس اول در ۱۶۲۸.

برتن، سرگرد ای. بی.

Burton, Major E. B.

مسئول نیابت کنسولگری محمره [خرمشهر] از اول ژوئیه ۱۹۰۳ تا بیست و ششم
فوریه ۱۹۰۶.

بردود، سروان آر. ال.

Birdwod, Captain R.L.

کنسول بوشهر از ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۴.

برس، سرگرد آرتور هربرت

Birse, Major Arthur Herbert

مستیار وابسته‌ی نظامی سفارت تهران از نوامبر ۱۹۴۲ تا اوت ۱۹۴۳.

برنان، ترنس وینسنت

Brenan, Terence Vincent

(تولد ۲۹ نوامبر ۱۸۸۷)

نایب کنسول بیرجند از سوم ژانویه ۱۹۱۷. کفیل کنسولگری سیستان [زابل]
از اول ژوئن ۱۹۲۵. معاون موقت کنسولگری فارس از اول ژوئن ۱۹۲۱. کفیل موقت
نیابت کنسولگری رشت از بیست و پنجم نوامبر ۱۹۲۱. نایب کنسول رشت از بیست و
هفتم سپتامبر ۱۹۲۳. انتقال به تهران در بیست و دوم فوریه ۱۹۲۴. کنسول غیر رسمی

از اول ژوئیه ۱۹۳۱ و دبیر دوم (رتبه محلی) از اول دسامبر ۱۹۳۱. کنسول (رتبه‌ی محلی) از دوم نوامبر ۱۹۳۲. کنسول و دبیر اول (رتبه‌ی محلی) از اول ژانویه ۱۹۳۵. خدمت در اداره‌ی مرکزی وزارت خارجه از دوم ژانویه ۱۹۳۶. عضو هیئت ایرانی شرکت‌کننده در مراسم تاج‌گذاری اعلیحضرت جورج ششم در مه ۱۹۳۷. کنسول شیراز از یازدهم نوامبر ۱۹۴۱. انتقال به تونس در ۱۹۴۴.

برنی

Bernay

کفیل کنسولگری تبریز در ۱۸۸۴.

برود، فیلیپ

Broad Philip

(تولد ۱۸ ژانویه ۱۹۰۳)

دبیر دوم سفارت تهران از سی‌ام اکتبر ۱۹۳۷. دبیر اول از اول ژانویه ۱۹۳۸. انتقال به اداره‌ی مرکزی وزارت خارجه در دوم فوریه ۱۹۳۹.

بروس، ویلیام

Bruce, William

افسر نیروی دریایی بمبئی. سرپرست نمایندگی مقیم، دربوشهر از ۱۸۰۴ تا ۱۸۰۷. نماینده مقیم از ۱۸۱۱ تا ۱۸۲۲.

بريجز: نگاه کنید به جوتر، هارفورد.

بریج من - رجینالد فرانسس اورلاندو

Bridgeman - Reginald Francis Orlando

(تولد ۱۴ اکتبر ۱۸۸۴)

رایزن سفارت تهران از اول نوامبر ۱۹۲۵ تا پانزدهم ژوئیه ۱۹۲۲. کاردار از دوم اکتبر تا نوزدهم دسامبر ۱۹۲۱.

بریستو، ارنست

Bristow, Ernest

(تولد ۲۱ ژوئیه ۱۸۷۳)

نایب کنسول رشت از اول ژوئیه ۱۹۱۲. استخدام در قسطنطنیه در ۱۹۳۱. کفیل سرکنسولگری اصفهان از دسامبر ۱۹۱۳ تا دسامبر ۱۹۱۴. کفیل نیابت کنسولگری

تهران در ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ و در شیراز در ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷. کنسول تبریز از اول ژانویه ۱۹۱۸. کفیل کنسولگری اصفهان از سی و یکم مارس ۱۹۲۳. سر کنسول اصفهان از بیست و دوم مه ۱۹۲۳ تا هفدهم دسامبر ۱۹۳۳.

بریگز، سروان جان

Briggs, Lieutenant John

عضو هیئت همراه سرجان مالکوم در ۱۸۱۵.

بریگز، گیلبرت

Briggs, Gilbert

جراح. عضو هیئت همراه سرجان مالکوم در ۱۷۹۹ - ۱۸۰۱

بگالی، هربرت

Baggaly, Herbert

نایب کنسول یزد از هفتم مارس ۱۹۵۵

بگالی، هربرت لسی

Baggalley, Herbert Lacy

(تولد ۱۵ اوت ۱۸۹۷)

(مرگ ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۳)

دبیر دوم سفارت تهران از چهاردهم ژوئیه ۱۹۳۱. دبیر اول از بیست و هفتم دسامبر ۱۹۳۳ تا سی و یکم مه ۱۹۳۴.

بل، جورج ژوزف

Bell, George Joseph

جراح سفارت از اول اوت تا سی و یکم دسامبر ۱۸۴۵. وی برادر دکتر چارلز ویلیام بل و پسر سرچارلز بل بود. بل در حالی که قصد داشت با استفاده از مرخصی استعلاجی به کشورش بازگردد در بیستم ژوئن ۱۸۴۷ در ارزروم درگذشت.

بل، دکتر چارلز ویلیام

Bell, Dr. Charles William

جراح. عضو هیئت همراه هنری الیس از اول آوریل ۱۸۳۵. جراح سفارت تهران. پس از استعفای دکتر جیمز رایش، وی در سی و یکم مارس ۱۸۴۲ جانشین او شد و تا سی و یکم ژوئیه ۱۸۴۵ به خدمت پرداخت.